

## جنگ سردی فراگیرتر از گذشته



تحلیل  
۲

وارد اوکراین شد، مشخص بود که اولاً بین آمریکا و شرکای غربی اش بر سر نوع برخورد با این جنگ



جو اینگه بکولود

کارشناس ارشد مطالعات نظامی در انستیتوی تحقیقاتی نروژ

از همان روزی که ارتش روسیه به اوکراین حمله کرد، مشخص بود که اولاً بین آمریکا و شرکای غربی اش بر سر نوع برخورد با این جنگ تفرقه‌ای بیش از پیش خواهد افتاد و ثانیاً روسیه با متحدان سابقش که جملاً اتحاد جماهیر شوروی سابق را تشکیل می‌دادند، به مشکلات بیشتری خواهد خورد. دو سال بعد از آن روز نه تنها آن اتفاقات افتاده، بلکه وارد یک عصر تازه از جنگ سرد هم شده‌ایم. البته روسیه که همیشه با آمریکا روابط نامساعدی داشته، اینک در هنگامه ستیزی که غربی‌ها را علیه این کشور شورانده، بیش از پیش محتاج همراهی و حمایت چینی‌هاست. چین می‌تواند نه تنها گاز و نفت روسیه را فروز تر از گذشته بخرد تا کمک حال آن باشد بلکه می‌تواند اسباب فروش آن به سایر دولت‌ها را هم فراهم کند. چین این کارها را کرده اما وجه تازه برخاسته از این مسأله این است که این غول شرق آسیایی فروز تر از همیشه از چشم غربی‌ها افتاده است. پیامدهای مستقیم این مسأله رد شدن طرح صلح چین برای جنگ روسیه - اوکراین، کم شدن چشمگیر میزان اعتبار چین در شرق اروپا و هدف گرفته شدن اش در سلسله برنامه‌های ایدایی ناتو است.

اروپا پیش از ستیز اوکراین روی گاز ارسالی از سوی روسیه پیش از حد تکیه داشت و حالا که روس‌ها به نشانه مجازات، گاز خود را روی دولت‌های غربی بسته‌اند، چین هم بجز مواردی محدود نتوانسته گاز دریافتی روس‌ها را به نام خودش به مشتریان غربی بفروشد. یک اثر مستقیم و بزرگ دیگر جنگ روسیه - اوکراین افزایش ترس از روسیه در دل مردم و دولت‌های اروپای غربی است. این ترس شاید هراسی مشترک را در دل ترسندگان ایجاد کرده باشد اما اثر مهم‌تر آن خریداری بیش از پیش سلاح‌های سنگین و سبک توسط آنها برای روز مباداست؛ روزی که پوتین تصور کند می‌تواند قشون کشی‌اش را به گستره بیشتری از سطح اروپا بسط دهد.

حتماً گفته خواهد شد که این، با نسخه‌های قبلی جنگ‌های سرد در جهان فرق دارد اما تشدید همکاری‌های ژئوپلیتیکی روسیه و چین، خواه ناخواه بیش از گذشته موجب رویارویی غرب و شرق می‌شود. هراس اروپایی‌ها سبب شده سوئد را به فتاوی‌ناتو بیفزایند و بدون اتکا به آمریکا که بارها به ناتو نورو زده، ساختاری مستحکم‌تر و غیروابسته‌تر را برای خود فراهم آورند، بنابراین فراگیری این جنگ سرد بیشتر از هر مورد قبلی است. اروپایی‌ها باید به این مسأله هم فکر کنند که دو سال اعمال تحریم‌های مختلف اقتصادی به روسیه به سبب تهاجم آنها به اوکراین واقعاً چه میزان لطمه به این کشور وارد کرده است. حقیقت امر این است که تأثیر این تحریم‌ها در کمترین حد بوده و کرملین با کمک شرکایش نه تنها چیز خاصی را از دست نداده، بلکه با قطع کردن گاز ارسالی‌اش به چین و روسیه و از دست رفتن نفت و گاز سبک‌وزن و سبب گذاشتن شرط دریافت روبل (و نه دلار و یورو) برای متقاضیان این متاع، بازی قدرت را برده و صحنه‌گردان این ستیز شده است. روسیه همواره تأکید کرده، اگر به خاک اوکراین وارد شده به این سبب بوده که کی‌یف درخواست‌های مکرر کرملین را برای جلوگیری از تعمیم موشک‌های دوربرد ناتو در مناطق مرزی‌اش نادیده گرفته و در نتیجه اینک ناتو به لطف تحت اختیار داشتن این تسلیحات حتی می‌تواند مسکو را از این فاصله بزند. با این «پیش‌فرض» استقرار لشکرهای متعدد روسیه پشت این نقاط مرزی با هدف تقابل با همین صحنه صورت پذیرفته و غربی‌ها به سبب پیش‌بینی نکردن این وضعیت قابل سرزنش‌اند. غربی‌ها می‌گویند دشواری‌های جنگ سبب شده روسیه نتواند نیازهای تکنولوژیک خود در زمینه‌های جنگی را به اندازه گذشته از طریق واردات این‌گونه متاع‌ها تأمین کند، اما این کمبود نیز در قیاس با داشته‌های مسکو اندک‌تر از آن است که سرنوشت‌ساز باشد.

## تحلیلگران فارن پالیسی به مناسبت آغاز سومین سال نبردهای مسکو و کی‌یف، جنگ اوکراین را بررسی کردند

# تبدیل تدریجی جنگ نظامی به دوئل سیاسی

## تحلیل ۱-

آنجلا استنت، نویسنده کتاب «دنیای پوتین» مترجم: وصال روحانی

دو سال بعد از شروع تهاجم ارتش روسیه به اوکراین و در آغاز سومین سال رویارویی این دو کشور، تغییرات استراتژیک آشکاری در این جبهه بسیط و فراگیر به وجود آمده است. اینک بیش از آن‌که دستاوردهای نظامی در این جنگ مهم باشد، خصلت سیاسی و سلسله ارتباط‌های دو کشور با این و آن حرف اول را می‌زند و جنگ نظامی آنها به تدریج به دوئل سیاسی تبدیل شده است. این در حالی است که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه امید دارد تفرقه‌ای که بین غربی‌ها بر سر حمایت از یکی از دو سوی ماجرا به وجود آمده، سبب رسیدن او به خواسته‌هایش شود و آنچه را که وی در صحنه یک نبرد مستقیم به دست نیاورده است، از طریق جانبی شامل حال وی سازد.

امریکا بزرگ‌ترین کمک‌کننده مالی و نظامی به اوکراین در جنگی بوده که از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به راه افتاد و اینک در نخستین هفته از سال سوم خود پیچیده‌تر از آن نشان می‌دهد که هر یک از دو کشور بتوانند مدعی پیروزی در آن شوند. مشغول شدن پنتاگون به جنگ غزه و ریختن دریای کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به درون ماشین جنگی اسرائیل، اروپا را دچار این ترس کرده که مبادا واشنگتن گرد فراموشی را بیش از پیش بر پیکر دولت لزان کی‌یف بیفشانند و با سقوط این دولت خطرات یک روسیه پیروز و قدرتمند برای بلوک غرب بیشتر شود. به همین خاطر دولت‌های بزرگ غربی در هفته‌های اخیر بر حجم کمک‌های خود به اوکراین افزوده و این کشور را از نو تجهیز تسلیحاتی کرده‌اند. کمک‌های تازه جامعه اروپا به کی‌یف شامل اقدام اقتصادی هم می‌شود و این امر شرایط متفاوتی را بر این جنگ در قیاس با یکدیگر ایجاد کرده است. با این همه آنچه وجود ندارد و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین احساس نمی‌کند، کسب برتری در این ستیز فرسایشی است.



## پایان سریعی در کار نیست

کرملین تصریح کرده است، تنها راهی که برای پایان جنگ می‌پذیرد، اعلام تسلیم از سوی دولت کی‌یف است و زلنسکی هم تأکید کرده که پس از سال‌ها زیستن زیر یوغ روسیه، دیگر ادامه این وضعیت را تاب نمی‌آورد. البته کشمکش مسکو و کی‌یف داستان تازه‌ای نیست. آنها سال‌ها در قالب اتحاد جماهیر شوروی ایالت‌هایی همسایه و «هم‌کیش» تلقی می‌شدند و یکی بودند ولی نسیم مناقشات از دهه ۲۰۱۰ وزیدن گرفت و در سال ۲۰۱۴ منجر به الحاق تازه جامعه اروپا به کی‌یف شامل اقدام اقتصادی هم می‌شود و این امر شرایط متفاوتی را بر این جنگ در قیاس با یکدیگر ایجاد کرده است. با این همه آنچه وجود ندارد و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین احساس نمی‌کند، کسب برتری در این ستیز فرسایشی است.

## بدترین سناریوی ممکن برای اروپای غربی

اگر برخورد قهرآمیز سال ۲۰۰۸ با کرجستانی‌ها و الحاق کریمه (بخشی از اوکراین) توسط روس‌ها پیش‌درآمدهایی آشکار از میل آنها به جهان‌نگشایی بود، ورود شوک‌آمیز ارتش آنها به خاک اوکراین در اواخر فوریه ۲۰۲۲ ثابت کرد که آنها به هیچ چیز کمی در این زمینه قانع نیستند.

زمانی ناامن‌تر می‌شود که در نظر بگیریم دونالد ترامپ پیش‌تاز انتخابات درون حزبی جمهوریخواهان آمریکا (و رئیس‌جمهور منتخب احتمالی این کشور در سال ۲۰۲۴) با تأکید بر اینکه حتی یک دلار برای ناتو و امنیت کشورهای عضو آن خرج نمی‌کند، عملاً به روسیه این دلگرمی را داده است که هر موقع اراده کرد، می‌تواند مسیر حرکت ارتش‌اش را به سمت هریک از این کشورها کج کند. وسیع‌ترین ترس اوکراین و اروپای غربی و باز شدن هر چه بیشتر جبهه‌های دریایی و هوایی آن و عجز اوکراین در پوشش دادن همه ابعاد فوق سبب شده کی‌یف در زمینه جنگ زمینی بیش از تمامی ده سال گذشته احساس ضعف کند و قابل تسخیر باشد. از نگون بختی اوکراین همین بس که آمریکا به سبب درگیر شدن فرزندانش در جنگ غزه حجم کمک‌های خود به اوکراین را که پیش‌تر نجومی بود، قطره‌چکانی کرده و این مسأله را به عنوان ضرورت آخر در فهرست «باید»های خود قرار داده است. بدترین سناریوی ممکن برای اروپای غربی این است که نوامبر (آبان) سال آینده ترامپ برنده پیکار احتمالی‌اش با جو بایدن باشد و کاخ سفید را پس بگیرد، زیرا با پیشینه‌های «معاملاتی» وی با روس‌ها همه مقدمات برای پوتین فراهم خواهد بود تا ناتو را ایزوله کرده و معج این حریف دچار تزلزل شده را بخواباند. سیران اروپایی‌الته برای رسیدن چنین روزی آماده‌اند و ذهن ملت‌های خوارشان را با بیان الزامات چنین عصری آماده دشواری‌های پیش رو کرده‌اند ولی حرف زدن یک چیز است و آماده بودن واقعی چیزی دیگر. این عدم همخوانی را به وضوح می‌توان پیرامون اماتوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و اولاف شولتز، صدراعظم آلمان حس کرد. آنها در میدان عمل مواردی را که برای تقابل مستقل و مجزا با روس‌ها به آن نیاز است، گرد نیاورده‌اند. اگر اوکراین سرانجام تسلیم روسیه شود، شکستی بزرگ برای آمریکا خواهد بود زیرا با وجود ریختن دنیایی پول و تجهیزات به دامان دولت کی‌یف، فقط در شکست احتمالی آنها شریک شده است. آمریکا فراموش نکرده است که گریز خفت‌بارش از خاک افغانستان بعد از دو دهه تسخیر اکثر بخشی از خاک این کشور و عراق چه آبروریزی بزرگی را برایش رقم زد و اضافه شدن ناکامی احتمالی در اوکراین سواء تبلیغ بزرگ تازه‌ای برای آنها خواهد بود. اروپایی‌ها براساس نتایج مطالعات انستیتوهای تحقیقاتی خود به این نتیجه رسیده‌اند که اگر فقط ۳ درصد از بودجه کلی خود را صرف تقویت نظامی اوکراین کنند، این کشور می‌تواند در ادامه سال ۲۰۲۴ نیز روی روسیه بایستد و در این جنگ کم‌نیارد اما این بیم که حتی این پول نیز کی‌یف را از سقوط نجات ندهد، طرح مذکور را از مسیر جاری شدن دور ساخته است. اگر تا دیروز آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا به سفر به کی‌یف و دادن تضمین‌های امنیتی به اوکراینی‌ها تمایل نشان می‌داد، پنج ماهی است که به سبب راه افتادن جنگ غزه، مقصد سفرهایش تل‌آویو بوده است و حتی جو بایدن هم به آنجا رفته تا حمایت مطلق خود از بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رادیکال رژیم صهیونیستی را اعلام کند. با این اوصاف اوکراین باید در انتظار روزهای سخت‌تری باشد که همه تعارض‌ها و تناقض‌های فوق برایش رقم خواهد زد.

## تحلیلگران فارن پالیسی به مناسبت آغاز سومین سال نبردهای مسکو و کی‌یف، جنگ اوکراین را بررسی کردند

# تبدیل تدریجی جنگ نظامی به دوئل سیاسی



GettyImages

نیامدن هر دو طرف هیچ پایان سریعی برای این دوئل ممکن نباشد و قصه تلخ مسکو - کی‌یف تا اطلاع ثانوی بر پهنه قاره سبز سایه خواهد انداخت.

## برتری‌های میدانی روسیه کاستی‌های روحی اوکراین

هر وجب تازه‌ای از خاک اوکراین که با تلاش طاقت‌فرسای روس‌ها به تسخیر آنها درمی‌آید در ازای ضایعات بسیار حاصل می‌شود و هم سربازان شان از پای درمی‌آیند و هم وسایل جنگی شان مستهلک‌تر می‌شود. اوکراینی‌ها هم به گونه‌ای آشکار مستأصل‌تر شده‌اند زیرا وقتی در سال ۲۰۲۳ دست به اقداماتی زدند که آن را ضدحمله به یورش روس‌ها نامیدند، ارتش‌های کسب خاکریزهای متعددی را داشتند. آن خاکریزها البته فتح نشده و برعکس اوکراین مدتی است که به موضع تدافعی قبلی‌اش درغلندیده و ارتش‌اش هر روز فرسوده‌تر می‌شود. زلنسکی برای «نو» کردن روحیه خوده ارتش اوکراین چندین پیش ژنرال والرئالوژینی، ارشدترین افسر نظامی کشورش را برکنار کرد. این اقدام پس از روبرو شدن آشکار این دو مقام غیرقابل اجتناب شده بود ولی با تعیین جانشین وی و اتخاذ روش‌های تازه نظامی هم ارتش اوکراین دچار تحول روحی مورد نظر نشد. فراموش نکنیم که میزان جمعیت اوکراین یک‌سوم روسیه است و به تبع آن کار اوکراینی‌ها

برای احیای جوخه‌های مختلف نیروی زمینی و اسکاادران‌های متعدد هوایی اش بسیار سخت‌تر از روسیه‌های است که نظام ساختاری ارتش‌اش را حفظ کرده و نفقات جانشین فراوانی برای سربازان شاغل خود دارد. این در حالی است که پیروزی مجدد پوتین در دور جدید انتخابات ریاست جمهوری روسیه که ماه آینده برگزار می‌شود، حتمی نشان می‌دهد و این رویداد فرماتلای‌های بیش نیست.

## نقش حیاتی کمک‌های جدید

جنگی با این شکل و سبب فقط متمرکز بر سربازان نیست و مقدار سلاح‌ها و مهمات نیز اهمیت ویژه خود را دارد. روسیه نه تنها زرادخانه فعالی دارد، بلکه در حال خریداری دائمی موشک‌های متنوع از کره شمالی و تانک‌ها و پهپادها از برخی متحدان دیگر خویش است. نیازی کی‌یف به کمک‌های نظامی از آمریکا و اروپای غربی بسیار فروز تر از حجم احتیاج روس‌هاست. به همین خاطر است که اقدام اخیر اتحادیه اروپا در تصویب کمک ۵۴ میلیارد دلاری جدید به دولت کی‌یف برای اوکراین حیاتی پیدا کرده است و دولت این کشور تا تکیه بر آن می‌تواند تا اطلاع ثانوی به اقدامات تدافعی خود هر چند جبهه حساس نبرد با روس‌ها استمرار بخشد. با این حال اوکراینی‌ها می‌دانند که اگر کمک‌های مغلیه‌تر نظامی آمریکا به کی‌یف به کلی قطع شود، کارشایش از حد خواهد خورد.

## تفرق وسیع در میان حامیان اوکراین

با وجود کمک‌های انبوه نظامی برخی دولت‌های غربی به دولت اوکراین در جنگ ناپرابر این کشور با روسیه، همچنان کمبود بعضی تسلیحات ضروری به کی‌یف محسوس و دست سربازان تحلیل رفته اوکراینی در این جنگ فرسایشی تا حدی خالی است.



راجا موهان

استاد رشته امنیت بین‌الملل در دانشگاه ملی سنگاپور

در بدو تهاجم روس‌ها به اوکراین، اتحادی کمتر دیده شده در بین دولت‌های اروپای غربی در زمینه حمایت از کی‌یف مشاهده شد اما دیرری نیابید که این حمایت جایش را به تفرق داد و حالا مدتی است حامیان اوکراین دچار چنددستگی شده‌اند. واقعیت تلخ این است که اوکراین هر چه داشت و هر متاعی را که ذخیره کرده بود، طی این جنگ سرد هزینه کرده و انبارش خالی‌تر از هر زمانی شده است. اگر کمک‌مدها و تفرق‌ها اوکراین را به شدت تضعیف کرده، در مسکو لاف‌های درخشان این جنگ یک اجماع کلی وجود دارد و احزاب و گروه‌های مختلف زیر پرچم پوتین گام برمی‌دارند. پس از قیام مسلحانه و شوکه‌کننده گروه واگنر که در مجموع ارتش روسیه اما منفک از آن است، خلل‌هایی در راهبردهای نظامی مسکو رقم خورد و پایه‌های ماشین جنگی روسیه سست شد اما رئیس‌جمهور این کشور توانست ابتدا با وساطت دولت بلاروس ارتش شورشی واگنر را مدیریت کند و بعد از مرگ مشکوک سرکرده این گروه، ابتکار عمل دوباره به دست پوتین افتاد و او امروز ارتشی متحدتر و یکپارچه‌تر از قبل را در خدمت خود می‌بیند. کی‌یف جنگ فرسایشی فقط فصل جواب دادن با ندادن قوای تسلیحاتی طرف‌های درگیر نیست بلکه مسائل اقتصادی هم در این زمینه حرف نخست را می‌زند. به دیگر سخن باید مشخص شود، هر کشور چه دارا و چه برخوردار تا چه میزان پتانسیل مالی برای تقویت نظامی خویش دارد و چه مقدار از آن را می‌تواند به کشورهای ضعیف‌تر بدهد که در شرایطی سخت و اضطراری گرفتار آمده و از آنها تقاضای کمک فوری کرده‌اند. این مسأله‌ای است که در تعیین سرنوشت نهایی اوکراین در این جنگ سهم مهمی دارد ولی روسیه بابت آن دغدغه‌مند نیست زیرا هم تسلیحات کافی دارد و سلاح‌های کمکی از پیوتونگانگ و پکن دریافت می‌دارد و هم پوتین با فتح قریب به یقین دور تازه انتخابات ریاست جمهوری روسیه، رنگی از پیروزی‌های ملی و میهنی به این رویداد و همه دستاوردهایش طی جنگ با اوکراین خواهد زد و ملت روسیه را در لوای یک پویش سراسری به حرکت درخواهد آورد که شعار اول آن همبستگی ملی در راه فتح غایبی جنگ خواهد بود. اروپای غربی در این هنگامه به یک بازتعریف تازه و اساسی از مانیفست جنگی و نظامی خویش محتاج است. کشورهای این منطقه از اروپا با وجود حمایت وسیع آمریکا از آنان در ادوار مختلف هنوز به آن حد از کارایی نرسیده‌اند که اگر به تنهایی وارد کارزارهای بزرگ شوند، کم نیاورند و این یک نقصان بزرگ و سرشکستگی عمیق سیاسی و نظامی برای آنهاست. این عدم کفایت‌ها و عجز اتحادیه اروپا در یکپارچه نگه داشتن کشورهای عضو خویش و ضعف ناتو در تجهیز کافی حدود ۳۰ کشور عضو این پیمان نظامی، غرب قاره سبز را در یک حالت تعلیق قرار داده و شرق این قاره را با وجود اینکه تنها نیروی غالب و لشکر پیشروان روسیه است، به گستراندن سایه خویش بر سر قاره ناتل ساخته است. ناتوانی اروپای غربی در ترسیم وضعیت خویش و کشیده شدن هر چه فروز تر پای آمریکا به جنگ غزه و به تبع آن غافل ماندن آمریکا از جنگ اوکراین سبب شده نه اروپای غربی با داشتن آن همه لیدر برادعه که کرملین با داشتن یک پوتین مصمم و پراوراده، اداره اروپا را در دست گیرد و به نوعی ترسیم‌کننده امروز و حتی آینده میان‌مدت آن باشد؛ چیزی که برای اروپای غربی به شدت تحقیرآمیز است و خسران آن برای دولت غیرمستحکم جو بایدن نیز کم نخواهد بود.

## تزدید و دودلی اروپایی‌ها مسأله‌ساز است



تحلیل  
۵

در نخستین هفته از سال سوم ورود ارتش روسیه به اوکراین، این فرضیه بیش از پیش بر زبان‌ها جاری است که شکست نهایی کی‌یف



اندرس فوگ

راسموسن دبیرکل سابق ناتو

بسیار نزدیک می‌نماید و آنچه می‌بینیم آخرین قطرات مقاومت و وگرا بینی‌هاست: با این حال این فقط کم شمردن بالقوه‌ای است که دنیای غرب در تعیین سرنوشت این جنگ دارد؛ دنیایی که اگر اوکراین را واقعاً تجهیز کند، این کشور پرچم سفید را برنخواهد افراشت. این امر مستلزم آن است که اولاً آمریکا توجه وسیع قبلی‌اش به اوکراین را دیگر بار به مرحله اجرا بگذارد و ثانیاً سرنان کشورهای بزرگ اروپای غربی در ادعای خود در زمینه لزوم تجهیز تسلیحاتی و اقتصادی کی‌یف جدی و سختکوش باشند.

امروز نه تنها بخشی از سلاح‌های مورد نیاز اوکراین برای ادامه ایستادگی در جنگ با روس‌ها در دسترس آن نیست بلکه هیچ کس حاضر نیست به آنها تضمین بدهد که در صورت پیروزی بودجه عظیم بازسازی‌های ضروری در سطح کشور را به دست آنها برساند. میزان تزدید و دودلی سرنان جدید کمک‌رسانی‌های نظامی‌اش به اوکراین به حدی رسیده که اینک ارتش این کشور از برخی سلاح‌های اولیه و بدیهی نیز برای دفاع از خود بی‌بهره است و به همین سبب هر روز خاکریزهای تازه‌ای را به دشمنان روسی خود می‌سپارد. دست است که اروپایی‌های غربی از ضعف در ساختارهای نظامی‌اش رنج نمی‌برند و ارتش‌های پر و پیمانی دارد اما آنقدر هم تسلیحات درغلندیده و هر روز فرسوده‌تر می‌شوند

با این حال ۹ ماه باقی‌مانده از سال ۲۰۲۴ زمانی است که اروپا باید تکلیفش را در ارتباط با اوکراین مشخص و این مقوله را نهایی کند. سه وجه بر این قضیه مترتب است: یکی دادن گارانتی‌های طولانی‌مدت امنیتی و نظامی به اوکراین، دیگری بخشیدن عضویت رسمی در اتحادیه اروپا به این کشور و سپس اهدای عضویت تام و تمام در ناتو به دولت کی‌یف. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین که در هنگامه جنگ این کشور با روسیه انواع تزدیدها و عدم استحکام‌ها را در رفتارهای خود بروز داده، با پذیرش ضروری بودن نیازهای فوق، از سرنان ناتو خواسته است کارگروهی حادق را مأمور تحقق این موارد کند و نظرات مشورتی لازم را به وی بدهند. تابستان گذشته هم در اجلاس «گروه هفت» در ویلنیوس، پایتخت لیتوانی مقرر شد با مشارکت چند کشور زیرساخت‌های امنیتی جدیدی برای اوکراین طراحی و تعمیم شود و هم در این ارتباط و هم در مورد بازسازی فیزیکی اوکراین که در جریان جنگ آسیب‌های شدیدی دیده، بحث و تبادل نظر بین مسئولان ناتو و اوکراین و کشورهای کمک‌کننده برقرار است. البته این روند دیربازده است و آنچه می‌تواند در کوتاه‌مدت پایه‌های به لرزش افتاده کی‌یف را قوام بخشد، عضویت یافتن رسمی اوکراین در ناتو است. چیزی که دولت‌های بزرگ اروپای غربی با دست روی دست گذاشتن و نگاه تردیامیز به آن ثابت کرده‌اند که در این اطمینان مورد نظر را در این خصوص ندارند. کافی است آنها دریابند استمرار دودلی‌هایشان روس‌ها را به وسعت بخشیدن تهاجم‌های خود به این و آن تشویق خواهد کرد و ناامنی را به سطح گسترده‌تری از اروپا تعمیم خواهد داد، به همین خاطر است که سوئد و فنلاند در دو، سه سال اخیر نهایت تلاش خود را به کار گرفتند تا زیر چتر امنیتی ناتو بروند و حالا به درست یا غلط احساس امنیت بیشتری می‌کنند.